

■ برای مجموعه داستان
(«تارديه را من کشتم»)

موضوع اصلی، کرو نانیست!

زینب گل محمدی

منتقد ادبی

۱ «چادر» و «کرونا» دو عبارت رسوب کرده از داستان های عترت اسماعیلی در ذهنم است. اسماعیلی بیشتر از هر چیز از این عناصر در داستان هایش استفاده کرده اما نه می شود داستان ها را به دوران کرونا محدود کرد و نه می شود گفت او خواسته داستان هایی درباره حجاب و نوع خاصش یعنی «چادر» بنویسد.

۲ نویسنده در مجموعه داستان جدیدش (تارديه را من کشتم) هنرمندانه به خطوط قرمز نزدیک شده و دو «!» برای من رقم زده است؛ تعجب از این که چرا تا این حد نیمه خالی نسبت ما و برخی مفاهیم مذهبی و اعتقادی را پررنگ کرده و تحریر از این که چگونه توانسته آن قدر هنرمندانه به خط قرمزها نزدیک شود که هم حرف هایش را بدون لکنت بزند و هم بتواند برای کتابش مجوز نشر بگیرد.

۳ داستان های این مجموعه، ماجراجورانه و به رغم کوتاه بودن، ذهن مخاطب را رها نمی کنند. آنها امواج خاطرات را اگرچه به دوران پیچیده کرونا می برند اما موضوع اصلی، کرونا نیست؛ نسبت انسان ایرانی با دین و مذهب است. این که گاهی یک انسان مذهبی در موقعیت های متفاوت اجتماعی، چگونه نقش های مختلف و متناقضی از خود بروز می دهد.

۴ سختگیری های حمیدرضا منیانی (استاد راهنمای نویسندگی و نویسنده رمان برج سکوت)، تجربه روزنامه نگاری نویسنده و عدم اصرار او بر چاپ داستان ها به هر قیمتی، کتاب را خواندنی و اندیشیدنی کرده است. داستان ها قرار نیست خواننده را سردرگم کند و از سویی، قدرت کشف را از او دریغ نمی کند. شخصیت ها به اندازه معرفی و شناساندن می شوند و برخی زاویه های تاریخ هم برای لذت خواننده باقی می ماند. این زاویه ها آن قدر نیست که خواننده را دلزده کند و کتاب را ببندد.

۵ عترت اسماعیلی در اولین تجربه، «حاء مشدد» رادانتشارات کتاب نیستان منتشر کرد که مورد توجه قرار گرفت. او سپس با فاصله، کتابی برای کودکان نوشت با نام «به نظر شما چه کسی با خانم طلا عکس سلفی می گیرد؟». حالا او دوباره به فضای داستان برگشته اما به جای فضای مذهبی سراغ مسائل اجتماعی رفته که البته رگه هایی از دین و مذهب هم در آن دیده می شود. این مجموعه داستان نشان می دهد او در مسیر داستان، موفق خواهد بود.

۶ برای هر کدام از پنج گزاره بالا، بسیار حرف دارم که بماند برای بعد...



لذت شعر

گفت و گو

بیادداشت

نقد

ضمیمه کتاب و ادبیات روزنامه جام جم | سه شنبه، ۲۸ فروردین ۱۴۰۳ | شماره ۲۵۱

چند خط برای «سفر در حباب»، اثر امیرحسین مدرس در انتشارات نیستان

شکایت از ممنوعیت عزاداری!

مؤلف در بخشی جداگانه از کتاب به آنها نیز پرداخته است.

شاعری «دورنگ»

شکری در دوره رونق سبک هندی می زیسته و خود نیز از آن در آثارش بهره برده است. اما به تعبیر مؤلف کتاب، شکری شاعری «دورنگ» به شمار می آید که هم ویژگی های سبک هندی و هم عناصری از سبک عراقی را در اشعارش می توان یافت. هرچند او در اغلب مواقع از پیچیده گویی ها و طمطراقی که سبک هندی با خود دارد، پرهیز نموده و تلاش کرده شعری روان و دور از سنگینی ها و بازی های کلامی بیج در پیچ را به مخاطبش عرضه کند. با این حال او از خلاقیت در به کارگیری صنایع ادبی دست نکشیده و ظرافت های زبانی اشعارش، چشمگیر و درخور ستایش اند.

او اغلب شرحی بر پیشانی آنها نگاشته و درباره سبک، موضوع، مکان و حال و هوای شان مطالبی عنوان کرده است. به طور نمونه درباره غزلی نوشته که: «در بندر هگلی به تحریر درآمده». به همین علت است که هیچ منبعی به اندازه خود او به شناسایی اش و درک سبک زیستی و حرفه ای اش کمک نمی کند.

درک روشن تر از شخصیت و زندگی شاعر

اما جدای از بخش اول کتاب که توضیحات و نکات مهم در تصحیح اشعار و مطالبی را که در غور و تتبع آثار این شاعر باید به آنها توجه داشت در خود جای داده، بخش های بعدی مجموعه تماماً به آثار منظم شکری اختصاص یافته است؛ اشعاری که با مطالعه بخش آغازین کتاب می توان به درک روشن تری از آنها و از شخصیت و زندگی شاعر رسید. نگاهی کلی به مجموعه آثار شکری نشان می دهد که اگرچه او در تاریخ ادبیات شاعری بی نشان به شمار می آید، اما ادیب، فعال اجتماعی و متفکری پویا بوده که کوشیده مضامین مهم هستی شناسی، اجتماعی و سیاسی زمانه اش را در قالب شعر مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد و همین

مسئله هم کتاب اشعار او را درخور تأمل و مطالعه دقیق می نماید. ایمن کتاب ۲۵۲ صفحه ای، با قیمت ۲۰۵۰۰۰ تومان قابل خریداری است.



در میان کتبی که

به شرح حال شعرا

پرداخته اند به

نام شکری بسیار

اشاره شده است،

اما هیچ یک از آنها

شکری هندی

نبوده و بنابراین

کار یافتن نام و

نشان از این شاعر

به شدت دشوار

به نظر می رسد

و بیشتر از طریق

تعمق در آثار خود

او امکان پذیر است

دقت و حوصله فراوان

یافتن مستندات دقیق و متقن از دوره زیست شکری کار چندان راحتی نیست، زیرا آنچه درباره او به جا مانده، اندک و پراکنده است. گاهی نیز اقوال و روایات متناقضی درباره او وجود دارد که به سادگی نمی توان تأیید یا ردشان کرد و در این مواقع پژوهشگران و مؤلفان وقایع پرتکرار و متکی بر منابع موثق را مبنای کار خود قرار می دهند، گرچه حتی در این گونه موارد هم امکان تخطی از واقعیت وجود دارد. به همین سبب تحقیق و تألیف درباره شاعر مهجوری همچون شکری زمان، دقت و حوصله فراوان می طلبد. امیرحسین مدرس کوشیده در مجموعه «سفر در حباب» با در نظر گرفتن چنین ملاحظات به معرفی شکری هندی برای مخاطبان حرفه ای و جدی ادبیات بپردازد.

شکری های متعدد!

در میان کتبی که به شرح حال شعرا پرداخته اند به نام شکری بسیار اشاره شده است، اما هیچ یک از آنها شکری هندی نبوده و بنابراین کار یافتن نام و نشان از این شاعر به شدت دشوار به نظر می رسد و بیشتر از طریق تعمق در آثار خود او امکان پذیر است. مؤلف نیز به همین شیوه عمل کرده و سعی در یافتن ویژگی های این شاعر از راه جست و جودر اشعار به جا مانده از او داشته است. دوره زندگی او به استناد برخی استقبال های شعری که از شعری از قبیل میرزا زاهد علی خان لاری متخلص به «سخا» کرده، به اوایل قرن دوازدهم برمی گردد.

شکوه از ممنوعیت عزاداری

برخی اشارات شکری به مکان ها، اشخاص یا وقایع نشان از زیست متلاطم و پر از سیر و سفرش دارد و از عقایدش درباره موضوعات مختلف پرده برمی دارد. در بین اشعارش که در قالب قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، مسمط و مخمس سروده، به سفر هایش به شهرهای بسیاری از هند اشاره کرده است. او همچنین به حج رفته و درباره آن نیز در اشعارش، ابیاتی آورده است. سفرش به بصره نیز برایش چنان اهمیتی داشته که در مورد آن نیز مطالبی نوشته و از ممنوعیت عزاداری برای امام حسین (ع) در آن سرزمین شکوه کرده است. شکری براساس آنچه درباره موضوعات مختلف گفته، شاعری است که آثارش هم بعد عرفانی داشته و هم جنبه های گوناگون اجتماعی، سیاسی و فرهنگی روزگاری را که در آن می زیسته دربر گرفته است. به علاوه، از منظر زیبایی شناسی ادبی نیز آثار او درخور تعمق اند و جلوه های متعددی از به کارگیری صنایع و بدایع را در اشعار او می توان یافت که

سند کمیانی و برگ سبز خودرو سواری هاچ بک پاناروما پترو TU5-2071 مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید و شماره پلاک ایـران ۵۰- ۱۵۴ ج ۸۵ به شماره موتور 167B0183608 و شماره شاسی NAAR03FE8NJ357108 به مالکیت وحید پاک چشم پور فرد مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

دفترچه قرارداد مربوط به شرکت آتی ساز واحد ۱۰۸۶ مجتمع مسکونی کوثر، واقع در تهران بلوار ارتش، جنب مجتمع تجاری پرنیان متعلق به اینجانب سید علی سادات غروی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند کمیانی و وسیله نقلیه سواری هاچ بک سال ساخت ۱۳۹۱ به رنگ قهوه ای متالیک به شماره موتور MVM477FJAA001661 و شماره شاسی NATFBAMD5A1002031 پلاک انتظامی ۳۴۴ ی ۱۷۱-ایران ۳۵ به نام علی غضنفری با کد ملی ۱۳۷۱۰۵۸۹۰۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند موتورسیکلت آریانا ۱۲۵ مدل ۱۳۹۹ به رنگ سفید به شماره پلاک ۴۴۷۱۱/۸۱۷ به شماره پدنه N1UACBKDEL1L00331 و شماره موتور 0125N1U608447 به نام معین بیگلی هزار گهور با کد ملی ۲۹۸۱۳۳۵۴۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.